



قسمت سیزدهم

نیکوکاران و

بنیانگذاران خیر

آیت الله ایزدی نجف آبادی

«اللهم اغفر للمؤمنين والمؤمنات الاحياء منهم والاموات وتابعيتنا وبينهم بالخيرات اللهم اغفر ليعتينا وميتنا وشاهدنا وغائبنا، ذكركنا ولائتنا، صغيرنا وكبيرنا، حرنا ومملوكنا».

پروردگارا! مردان و زنان مؤمن را بیمارز چه زنده و چه مرده، پانجام خیرات بین ما و بین آنها پیروی برقرار نما، خدایا! زنده و مرده ما را و حاضر و غایب ما مرد و زن و کوچک و بزرگ ما، آزاد و برده ما را بیمارز.

در این جمله از دعا که طلب آمرزش و مغفرت برای تمام اقشار مؤمنین است، دو نکته ظریف بنظر میرسد:

۱- نظر باینکه از نظر توحید، همهٔ بندگان خداوند، زشت و زیبا، عرب و عجم، مرد و زن و برده و آزاد بر یکدیگر امتیازی بجز امتیاز تقوی و عمل صالح ندارند و این مطلب، اصل اساسی حقوق بشر است و سزاوار است که بنده خدا هم در بهترین حالات که حالت دعا و عرض حاجت بدرگاه خداوند است، همه را در نظر بگیرد.

بنیانگذاران خیر

۲- نکته دیگر اینکه در این چند جمله از دعا که طلب مغفرت برای همه اقشار است، در ضمن، طلب توفیق برای انجام خیرات نیز هست اما باینصورت «تابعیتنا و بینهم بالخیرات» - در انجام خیرات بین ما و آنها پیروی برقرار فرما. و این خود نکته ظریفی دارد و آن این است که بنده موفق بکار خیر در عین اینکه کار خیر را از این جهت که کار خیر است انجام می دهد، که شاید اخلاص در عین آن بتواند به همین معنی گرفت. علاوه بر این در نظر داشته باشد که کار خیرش ادامه راه بنیانگذاران خیرات و به تعبیر دیگر ادامه راه انقلاب ایمانی باشد.

بسیار فرق است بین کسیکه کار نیک انجام می دهد فقط بداعیه خیر و بین کسیکه علاوه بر این انگیزه این را هم داشته باشد که مانند پیشوایان و رهبران جامعه از انبیا و اولیاء و یاران آنها که با کوششهای خستگی ناپذیرشان بجامعه، فرهنگ و پیش صحیحی دادند و آنها را در راه خیرات بحرکت درآوردند، بنیانگذار خیر باشد که بقول مولای رومی:

رضیها بسیار سردند السبایه تا که در گردش فستاد این آسیا

خوب است ما هم زحمت آنها را بشمر و بنای آنها را به اتمام برسانیم، که این داعیه اضافی هم قدر دانی از نعمت بنیانگذاران خیر و هم ادامه دادن راه آنها است.

شاید این نکته در آیه ۱۰ سوره حشر منظور باشد که خداوند بعد از آنکه در آیات

قبل از مهاجرین (یعنی از مسلمانان مکه که برای حفظ دینشان بحدین هجرت

کردند) و از انصار (یعنی مسلمانان مدینه که پیغمبر اکرم و مهاجرین را به خانه های

خود جا دادند و به همیاری یکدیگر رنجها را تحمل کردند و اسلام را پیش بردند)

می فرماید: «والذین جاؤا من بعدهم بقولون ربنا اغفر لنا ولاخواننا الذین سبقونا

بالایمان...» و کسانی که بعد از ایشان (مهاجرین و انصار اول) آمدند می گویند

پروردگارا ما را و کسانی که بر ایمان بر ما پیش گرفتند بیمارز.

این آیه این مطلب را می رساند که گروه بعد که می آیند و بنای خیریه که

مهاجرین و انصار گذاشته اند پیروی کرده و بعنوان اینکه گذشتگان بر ما سبقت

داشته اند خود را مدیون آنها می دانند و از این جهت برای آنها طلب آمرزش

می کنند.

باز از طرف دیگر باید گفت که فرق است بین کسی که خیر را فقط بانگیزه خیر

انجام می دهد و بین کسی که علاوه بر این انگیزه، بنیانگذاری خیر و اجراء سنت

حسنه دارد که: «عملٌ شئٌ حسنة فله اجرها و اجر من عمل بها» - کسی که راه

پسندیده پیش پای مردم گذارد پاداش اجر آن را و اجر هر که به آن عمل کرد دارد.

در آیه ۱۰۰ از سوره توبه می فرماید: «والسابقون الاولون من المهاجرین

والانصار والذین اتبعوهم باحسان رضی الله عنهم و رضوا عنه...» - پیشگامان

نخستین از مهاجرین و انصار و آنهاست که پیروی از آنها به نیکی کردند خداوند از

آنها راضی و آنها از خداوند راضی هستند اشاره به بنیانگذاران و ادامه دهندگان راه

انقلاب ایمانی شده

«كذب العادلون بالله وعلوا هلالاً عبداً و عسروا حسراً مینا» - دروغ گفتند (و چه

گمان غلطی بخود راه دادند) آنانکه برای خداوند عدل و همانند گرفتند و چه سخت

گمراه شده و چه زیان آشکاری بخود خریدند.

دروغترین دروغها

از آنجائی که واقعیت و حقیقت خاصه ذات خداوند است و او است حقی که

هیچگونه بطلائی به او راه ندارد و سراسر پدیده های جهان هستی باندازه ارتباط به

واقعت و حقیقت آن ذات یگانه از واقعیت و حقیقت سبب دارند. چنانچه در سوره لقمان آیه ۳۱ می فرماید: «ذَلِكْ يَآ اِنَّهٗ هُوَ الْحَقُّ وَاِنَّ مَآ يَدْعُوْنَ مِنْ دُوْنِهِ الْبَاطِلُ». این (یعنی نظاماتی که در آیات قبل آمده) بدین سبب است که خدای یکتا حق مطلق و آنچه بجز او بخدائی می خوانند، همه بوج و باطل است. از رسول اکرم نقل شده که درباره شعر لیبید شاعر که می گوید: «الاکل شیء ما خلا الله باطل» - آگاه باشید که هر چیز غیر خداوند باطل است فرموده: «اصدق شعر فاته العرب» - راست ترین و درست ترین شعری است که عرب سروده است. بنابراین باید گفت که دروغی دروغتر و اعتقاد باطل و جهلی عمیق تر نیست از این گفته و این اعتقاد که خداوند را عدلی و همثائی هست «كذبت العادلون بالله».

دشوارترین و آشکارترین گمراهی ها

و همچنین باید گفت که گزاینده به غیر خدا و شرک به او (چه شرک جلی و آشکار باشد و چه پنهان به تمام مراتب آن) گمراهی است که در عین اینکه گمراهی بودن آن آشکار است گمراه است که از هر گمراهی انسان را از مقصد دور و برگشتن از آن دشوارتر است. تمام افراد و جوامع بشری و انسانها که در استفاده از مواهب طبیعی و بهره برداری از موجودات عالم ماده چه مؤمن و چه کافر، با دانش و بینشی که از جهان دارند از آنچه در دسترس آنها است بهره برداری می کنند، در این رهگذر بسیار می شود که دچار اشتباه شوند مثلاً چیزی را که زیاتر است سودمند بیندارند یا برعکس، سودمند را زیاتر سودمند ببینند. به مقصدی مسافرت می کنند ولی رو به ترکستان می روند در عوض این که به کعبه بروند، بالنتیجه از مقصد دورتر شوند.

ولی بحکم خداوند که در آیه ۱۱ سوره انشراق می فرماید: «يا ايها الانسان انك كادح الي ربك كدحاً فملاقيه» - ای انسان، توباً تلاش و رنج و زحمت به سوی پروردگارت می روی و سرانجام او را ملاقات خواهی کرد. مقصد اصلی انسان سعادت مطلق و وصول بجوار رحمت حق و ملاقات او است. بنابراین، ضلالت واقعی و حق گمراهی، گم کردن این مقصد که رو بفر خداوند کردن و عدل و همثا برای او گرفتن است چنانچه در سوره نساء آیه ۱۱۹ می فرماید: «ومن يشرك بالله فقد هلك صلاته» - و آنکس که بخدا شرک آورد حقاً که بسیار گمراه است.

زبان چیست و زیانکار کیست؟

معنا و مفهوم زبان و ضرر از معنایی و مفاهیم واضح است و آن این است که انسان سرمایه و امکاناتی که در اختیار دارد و بسا تلاش و وقت گذرانی هم روی آن کرده، همه را یا بعضی از آن را از دست بدهد و غالباً از نظر عرف و عادت، چون تنها به مال و ثروت که در تجارت یا کشت و صنعت به کار گرفته می شود سرمایه گفته می شود، از این رو از نظر ساده، خسران و ضرر هم باین گفته می شود که انسان مثلاً بعد از گذشت یکسال همه یا بعضی از آن سرمایه را از دست بدهد.

پس، حق این مطلب را باید از قرآن شریف بدست آورد.

خداوند در سوره العصر می فرماید: «والعصر ان الانسان لفس خسر الا الذين آمنوا وعملوا الصالحات ونواصوا بالحق ونواصوا بالصبر» - به عصر سوگند که انسانها همه در زیانند، مگر کسانی که ایمان آورده و عمل صالح انجام دهند و یکدیگر را به حق و استقامت و شکیبائی توصیه نمایند.

با در نظر گرفتن این که تنها حیات انسان این زندگی چند روزه دنیا نیست بلکه

این حیات مقدمه حیات بعد از مرگ یعنی عالم برزخ و قیامت است، باید گفت که سرمایه انسان، وجود خود او و سرمایه درونی از جمله قوه فکر و نعمتهایی همچون نعمت سلامت، فرصتهایی است برای قدم برداشتن در راه ایمان و توحید و بالنتیجه رسیدن به همان مقامی که به لقاء الله تعبیر شده است.

بنابراین اگر آدمی به شرک گزیند حقیقتاً پشت به مقصد کرده و نه تنها سرمایه های خدا داد را از کف داده بلکه هر چه بیشتر در هاویه شقاوت سقوط کرده است. و چه خسارتی بالاتر و چه زیانی بدتر از این، چنانچه در جمله مورد نظر از دعا، امام معصوم عرض می کند: «وخسروا خسراً مبيناً».

در بیان این زیان و خسران خداوند در آیه ۳۱ سوره حج می فرماید: «ومن يشرك بالله فكأنما خر من السماء فتخطفه الطير او تهوى به الريح في مكان سحيق» - هر کس شریکی برای خدا قرار داد، گویی از آسمان سقوط کرده که پرندگان (وسط هوا) او را بر بایند یا تندباد او را به دره عمیقی پرتاب کند.

و نیز در آیه ۲۰ سوره احقاف می فرماید: «ويوم يُعْرَضُ الَّذِينَ كَفَرُوا عَلَى النَّارِ اَلَّذِيْنَ هُمْ فِيْهَا كَمِثْقِ طَيْرِكُمْ فِيْ حَيَاتِكُمْ الدُّنْيَا وَاَسْمَعْتُمْ بِهَا فَاَلْيَوْمَ نَجْزِيْنَ عَذَابَ الْهَوْنِ بِمَا كُنْتُمْ تَسْتَكْبِرُوْنَ فِي الْاَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَاِنَّمَا كُنْتُمْ تَقْسُوْنَ» - آن روز که کافران را بر آتش عرضه می کنند (به آنها گفته می شود) از طیبات و لذات زندگی دنیای خود

سرمایه انسان، وجود خود او و سرمایه درونی از جمله قوه فکر و نعمتهایی همچون نعمت سلامت، فرصتهایی است برای قدم برداشتن در راه ایمان و توحید و بالنتیجه رسیدن به همان مقامی که به لقاء الله تعبیر شده است.

بهره گرفتند اما در امروز عذاب ذلت بار بخاطر استکباری که در زمین بناحق کردید و بخاطر گناهانی که انجام می دادید جزای شما خواهد بود.

راستی چه زیانی بالاتر از این خواهد بود که انسانی که بحکم: «وعلم آدم الاسماء كلها» می تواند مظهر اسماء و صفات حق شود و انسانی که بحکم آیه ۴ در سوره التین که می فرماید: «القد خلقنا الانسان في احسن تقويم» - ما انسان را در بهترین شکلی و نظام آفرینیم که مفهومش این است که خداوند انسان را از هر نظر چه از نظر روحی و چه از نظر عقلی و چه از نظر جسمی، هرگونه استعدادی را در وجود او قرار داده که آماده پیسودن قوس صعود کمال باشد، متأسفانه در اثر فرو رفتن در لذات جسمانی و حیوانی به پست ترین مراحل حتی پست تر از حیوانات سقوط کند که در آیه ۵ می فرماید: «ثم ردناه اسفل سافلين» - پس از آن او را به پست ترین پستیها فرود آوردیم. شاعر می گوید:

گوهر خود را هویدا کن کمال این است و بس / خویش را در خویش پیدا کن، کمال این است و بس
ای خلسیغنه زاده بسی معسرست / چون پدرت علم اسما کن، کمال این است و بس
هر دو عالم در وجودت یک معما کرده اند / ای پسر حل معما کن، کمال این است و بس
باز هم جمله دعا را تکرار باید کرد: «كذب العادلون بالله وضلوا هلالاً بعيداً وخسروا خسراً مبيناً».

ادامه دارد